

عیاری وارونه

• عاطفه فاطمی

کتاب لومین‌ها در سیاست عصر پهلوی که به نظر می‌آید پایان‌نامه‌ای از میان «پرشماری پایان‌نامه‌های نوشته شده توسط دانشوران اخیر و جوان این دیار باشد، از این حیث که جسورانه به تحلیل مسائل تاریخی را از منظر اجتماعی ورود پیدا کرده است، گویای نوجویی‌های دانش‌آموختگانی است که «وقایع‌نگاری» ناب را در پژوهش‌های تاریخی بر نمی‌تابند و با تکیه بر کاوش‌های نظری دیگر عالمان حوزه‌های مختلف علوم انسانی به در افکندن طرح‌هایی نو در آموزش‌ها و پژوهش‌های تاریخی می‌اندیشند و به همین تاسی از همین رویکرد است که نویسنده نیز به درستی از نضج یافتن گرایش به تحلیل مسائل تاریخی از منظر اجتماعی در میان مورخان ایرانی یاد می‌کند. (ص ۱)

بر همین سبیل، نویسنده کتاب ابتدا فصلی تمام را به نظریه‌ورزی در باب تعاریف جامعه‌شناسانه مرتبط با پدیده اجتماعی «لومین‌ها» با عنوان «لوطی‌ها و لمپن‌ها و نگاه جامعه‌شناختی» اختصاص داده است. برخی از عناوین این فصل این‌هاست: زمینه‌های تاریخی پیدایش لومین‌ها در جهان، زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی پیدایش لومین‌ها در ایران معاصر لومپنیسم و به عنوان یک پاره فرهنگ، خصوصیات اجتماعی و روانی لومین‌ها، خانواده و زندگی زناشویی لومین‌ها، اعتقادات دینی لوطی‌ها و لومپن‌ها و خاستگاه و محله‌های لوطی‌ها و لومپن‌ها «با بحث‌های گاه موجز و گاه مفصل در باب «لومین‌ها» روبرو می‌شویم.

در این فصل نویسنده ابتدا به روایت فرامرزی و جهانی اشارت کرده و از چرایی پدید آمدن لومپن‌ها در مرحله گذار از جامعه ماقبل به جامعه سرمایه‌داری سخن به میان می‌آورد و توزیع نابرابرانه درآمد، که بهتر بود با عنوان «توزیع نابرابرانه ثروت» از آن یاد شود، سرمنشأ شکل‌گیری و تکثیر «لومپن‌پرولتاریا» می‌شناسد. در ادامه همین گفتار، شکل‌نیافتگی طبقاتی در جامعه ایرانی و نامتعیین بودن مرزهای خرده‌بورژوازی و کارگران را عاملی برای درغلطیدن خرده‌بورژوازی به دامن لومپنیسم اجتماعی در هنگامه جولان یافتن فقر اقتصادی می‌یابد. (ص ۹) این علت‌یابی هنگامی کامل می‌شود که بدانیم هجوم گسترده روستاییان بی‌چیز و جویای کار به حواشی شهرها، پاره‌فرهنگ‌های ازهم‌گسیخته در این مناطق را پدید آورده و به عاملی برای جرم‌خیزی و هنجارگریزی تبدیل می‌شود.



- لومین‌ها در سیاست عصر پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۴۲)
- مجتبی زاده‌محمدی
- نشر مرکز
- ۱۳۸۵، ۲۶۰ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، ۳۴۰۰ تومان.

دانش‌اکل در فصل پایانی فیلمی به همین نام، به ناجوانمردی و به ضربتی از پشت، از پای درآمد. روزگاری پیش از این، منتقدی صاحب‌رای در تفسیر این صفحه نمادین، با تحلیل بخشی از گفتارهای سمبولیک مندرج در دانش‌اکل هدایت و تأویل تصاویر دراماتیک مندرج در دانش‌اکل کیمیایی، دانش‌اکل را نماد سنت به پایان رسیده «عیاری و لوطی منشی» و کاکا رستم را سمبل آغازین پرده‌های «لومپنیسم و لات‌بازی» متأثر از شبه‌تجدد اعوجاج‌آمیز دانسته بود و...

آن تصاویر و این تفاسیر روایتی بود ادبی و هنرمندانه از واقعیتی جاری در جامعه ایرانی که به رغم جلوه‌گری‌های چندوجهی و درهم‌تنیده، نویسنده کتاب تحسین‌برانگیز لومین‌ها در سیاست عصر پهلوی راهم واداشته تا به منش پژوهشگران تاریخ اجتماعی، تبارشناسی این پدیده اثرگذار در صحنه سیاسی ایران را به تحریر بنشیند.

هجوم مداوم و پرشتاب روستاییان به تهران، آن گونه که نویسنده از قول کاتم نویسنده کتاب «ناسیونالیسم در ایران» روایت می‌کند، عاملی برای رشد لومپن‌های شهری به شمار آمده است.

صد البته که حاشیه‌نشینیان شهرها یعنی همان روستاییان مهاجر و بی‌چیز که در فرایند ناسازگاری فرهنگ شهری با فرهنگ مألوف، به سرگشتگی دچار می‌شوند، طبیعی است که مورد طمع نیروهای سیاسی باشند. چراکه در حواشی شهرها جرم‌خیزی و هنجارستیزی جسارت‌آفرین، و انگیزه‌های مهاجرت که تحقق رؤیای زندگی بهتر است، به زمینی هموار برای رشد آرمان‌خواهی تبدیل می‌شود.

نویسنده در بخشی دیگر، بروز لومپن‌های شهری را به لوطی‌هایی منسوب می‌کند که در شمار اقشار متوسط و پایین شهری بوده‌اند. (ص ۱۲) البته از لوطیان چون دیگر اقشار اجتماعی، روایت‌های متفاوت و گاه متضادی ارائه شده که در طیف‌هایی رنگارنگ از نمونه‌های جوانمردی و صداقت آغاز و تا بنیان جرم‌های سازمان‌یافته شهری قابل دسته‌بندی است. نویسنده که توضیحات خود در این باب را به اقوال و آرای کسانی چون: فلور و گوبینو آراسته و در نهایت نتیجه گرفته است که «همه لوطی‌ها از لحاظ صفات و خصوصیات و افکار و غیره یکسان نبوده و برخی از لوطی‌گری فقط نامی داشته‌اند و چهره لوطی‌های درست‌کار را خراب کرده‌اند.» (ص ۱۳)

اما باید بدانیم هنجارهای حاکم بر پاره‌فرهنگ جماعت «لوطی‌مشرَب» بستر ساز نضج‌گیری «لومپن‌بازی» بود و به همین سبب، از باب قدرت و ثروت از آنان بهره می‌گرفتند، خاصه آن که گروه‌هایی از این جماعت به «پنطی‌ها» یعنی افراد فاقد هویت لوطی‌گری و جوانمردی معروف شده بودند و لات‌بازی و چاقوکشی به شدت در بین ایشان رواج یافته بود.

در این فصل به پاره‌فرهنگ «لومپن‌ها» نیز اشارت رفته است و از آن جهت که لوطی‌ها و لومپن‌ها در ظاهر اشتراکات پرشمار و گاه نامتمایز داشته‌اند، نویسنده ابتدا از نوع پوشش و وسایل همراهشان سخن به میان آورده است. در این بخش، علاوه بر نوع لباس، به نوع گفتار شکسته و نامتعارف ایشان نیز اشارت رفته و در مثل آمده است که لوطیان خود را به داشتن زنجیر یزدی، جام برنجی کرمانی، دستمال ابریشم کاشانی، چاقوی اصفهانی، چپق، شال و گیوه تخت‌نازک ملزم می‌دیدند. (ص ۲۱)

جدای از این‌ها، داشتن هیكلی فربه و خالکوبی شده و استفاده گاه و بی‌گاه از قمه و قداره بخش‌های اصلی از پاره‌فرهنگ لوطیان را می‌ساخت و بدیهی است که در همین بستر، لومپن‌ها نیز به سرعت رشد می‌کردند. در این پاره‌فرهنگ، ناهنجاری‌هایی چون میل به انتقام‌جویی، حادثه‌آفرینی، تزلزل شغلی، بی‌انضباطی و نظم‌گریزی زمینه‌های تمایل به اقدامات وحشت‌آفرین را موجب می‌شد. (ص ۲۳) البته تکیه بر قدرت بدنی برای حل و رفع هر نوع مشکل، به همراه نداشتن آگاهی این جماعت را برای هرگونه هرج و مرج آفرینی سازماندهی شده یا خودجوش آماده می‌ساخت. (ص ۲۴)

دیگر قسمت‌های فصل نخست به انواع سرگرمی و بازی‌های لوطی‌ها و لومپن‌ها، القاب رایج در میان آنان، زندگی زناشویی، روابط صنفی و... پرداخته است.

همچنین ذکر شده که لوطیان سردمدار مراسم مذهبی در عاشورا و تاسوعا بودند و از حیث اعتقاد دینی از طیف متنوعی از افراد کاملاً مقید تا افراد کاملاً لایابالی و بی‌قید را در بین خود جای داده بودند. خوب است بدانیم که لومپن‌ها متناسب با اوضاع، به برخی مراسم مذهبی در بخشی از سال همانند ایام عاشورا، تاسوعا و دهه اول محرم پای‌بند بودند، اما در دیگر اوقات به هر رفتار ناهنجاری دست می‌زدند. (ص ۳۴)

نویسنده برای این که علت دخالت این قشر را در سیاست توضیح

در رژیم پهلوی، زورخانه‌ها دو خط متضاد را دنبال می‌کنند. بخشی از آن که هنوز در دست مردم است، جایی برای «پهلوان‌پروری» و بخش دیگر که تشریفاتی و تبلیغاتی است، محلی برای گردن کلفت شدن و آموزش باج‌گیری است

دهد به علت‌های روانی و اقتصادی اشاره کرده و بر این باور است که احساس غرور و شخصیت کاذب به هنگام اقدامات خطر خیز، برای ارضای نیاز روانی و احساس هویت و غارت‌گری برای جبران بی‌چیزی و مزدوری دو عاملی است که لومپن‌ها را به پیاده‌نظام حافظان وضع موجود تبدیل می‌کند. (ص ۳۶)

به رغم این سخن، نویسنده آگاهانه اشاره می‌کند که در جریان مبارزات مردمی بخش‌هایی از این قشر دچار تحول شده و به نفع نیروهای انقلابی و تحول‌خواه نیز وارد میدان سیاست شده‌اند. (ص ۳۷) در بخش پایانی این فصل، نویسنده به محلات سنگلج، محمدیه، بازار قلات آباد، عودلاجان و قجرها در عصر قاجار و تعدادی دیگر از محلات تهران در عصر پهلوی به عنوان پاتوق این جماعت اشاره می‌کند (ص ۴۱). واقعیت این است که لومپن‌ها در تمامی محلات شهر قابل رؤیت بوده و هستند، لیکن در بخش‌های حاشیه‌ای و محروم شهر کثرت این افراد روبه فزونی می‌گذارد.

خواننده در ادامه کتاب، در فصل دوم طی گشت و گذاری تاریخی با زمینه‌های تاریخی پیدایش لوطی‌ها در ایران آشنا می‌شود. در این سیر، نویسنده با این باور که هنجارهای لوطیان با آیین‌های فیتیان هم‌پوشانی دارد، ابتدا ما را با ریشه‌های قبل از اسلام و بعد از اسلام آیین جوانمردان آشنا می‌کند. آیینی که بن‌مایه‌اش دفاع از توده‌های ضعیف در هنگامه خطر سازی ارباب قدرت بوده و حاکمان به طعنه ایشان را «عیار» می‌نامیدند. (ص ۴۶ و ص ۴۷) نمونه‌ای از این عیاران ابومسلم است که در راه ساقط کردن امویان شمشیرها زد. دیگر نمونه‌های این عیاران در دوره‌های تاریخی فراوانند و مهم‌ترینشان سردارانند که رهبری ایشان را

پهلوانی بنام، یعنی عبدالرزاق بیهقی عهده‌دار بود (ص ۵۰).
ردپای فتیان را که به نظر می‌آید در تمام جنبش‌های معارض وضع موجود حضور داشته‌اند، تا صفویان و پس از آن در هنگامه خیزش نادر افشار می‌توان دید (ص ۵۱).

نویسنده اشاره می‌کند که به کار بردن اصطلاح «لوطی و داش‌مشدی» در مورد عیاران، بعد از صفویه اصطلاحی رایج بوده است (ص ۵). البته خوب است بدانیم که «اجتماعات لوطی‌ها و داش‌های سده نوزدهم در ایران بی‌شبهت به اجتماعات عیاران دوران‌های گذشته نبوده است. (ص ۵۲)
در ادامه این مبحث، مشابهت تشکیلات عیاران و لوطی‌ها پی‌گرفته شده

آثار انحطاط در ورزش زورخانه‌ای در واپسین سال‌های اقتدار صفویان پدیدار شد و در دوره قاجار، دیگر بار به منصف بروز و ظهور رسید، به گونه‌ای که در دوران ناصری، قدرتمندان با بهره‌گیری از شرایط پدید آمده، در پی دایر کردن زورخانه و اجیر کردن پهلوانان بودند

و با نقل اشاراتی از فتوت‌نامه‌ها داشتن صفاتی چون: راستی، تواضع، سخاوت، ایمان و ... از جمله خصایل جوانمردان دانسته شده است (ص ۵۲).
همچنین ذکر شده که با پوشیدن لباسی ویژه و طی آیینی خاص که متأثر از طریقت صوفیان بود، افراد در زمره «فتیان» قرار می‌گرفتند. جریگه‌ای که جای ناهلان نبود و عملاً تشکیلاتی منسجم داشت. (ص ۵۴ و ۵۵)

خواننده، سپس، درمی‌یابد، زورخانه‌ها که محل تجمع پهلوانان بود، جلوه‌گاه‌های آیین جوانمردان نیز بوده است (ص ۵۶). گرچه نویسنده اشارت نکرده است، اما می‌دانیم که صنوف و پیشه‌وران شهری آن روزگار کمابیش خود را به فتیان منسوب می‌کردند.

کتاب در تداوم سخن خود اشاره می‌کند که با گذر ایام، آثار انحطاط در ورزش زورخانه‌ای در واپسین سال‌های اقتدار صفویان پدیدار شد و در دوره قاجار، دیگر بار به منصف بروز و ظهور رسید، به گونه‌ای که در دوران ناصری، قدرتمندان با بهره‌گیری از شرایط پدید آمده، در پی دایر کردن زورخانه و اجیر کردن پهلوانان بودند (ص ۵۸). در پی این تطور، هدف اصلی زورخانه‌ها فراموش و بسیاری از آنها به محلی برای تجمع جماعت سیاه کاران و اوباش تبدیل شدند (ص ۵۹).

در تداوم این ماجرا می‌بینیم که در رژیم پهلوی، زورخانه‌ها دو خط متضاد را دنبال می‌کنند. بخشی از آن که هنوز در دست مردم است، جایی برای «پهلوان‌پروری» و بخش دیگر که تشریفاتی و تبلیغاتی است، محلی برای گردن کلفت شدن و آموزش باج‌گیری است. در این مراکز است که چاقوکش‌ها و قداره‌بند‌های جوان به انواع تبهکاری‌ها دست می‌یازند (ص ۵۹ ص ۶۰) و حتماً مرشدهای حرفه‌ای نیز با اشارت ارباب

قدرت، آنان را برای رویارویی با حرکت‌های مردمی هدایت می‌کرده‌اند. مصداق‌های نویسنده در این باب، اشاره به حضور این جماعت به عنوان پیاده‌نظام استبداد در جریان انقلاب مشروطه و به هنگام رویارویی محمد علی شاه با مشروطه‌خواهان در حوادثی همانند وقایع میدان توپخانه و به توپ بستن مجلس است.

در سومین فصل، نویسنده که خود را برای ترسیم نهایی موقعیت «لومپن‌ها» در سیاست عصر پهلوی آماده می‌کند، ابتدا به برخوردهای دوگانه رضا شاه با این جماعت اشاره می‌کند. در مثل می‌بینیم که لوطی‌ها در ماجرای جمهوری خواهی کاملاً مششی ایجاد آشوب و ناامنی‌های هدایت شده را پیشه می‌کنند (ص ۷۲).

آنان با حضور مخرب خود به بخشی از سناریوی اثبات بی‌لیاقتی قاجارها تبدیل می‌شوند تا در مرحله بعد، سرکوب ایشان توسط رضاشاه نشانه اقتدار مؤسس پهلوی تلقی شود. سناریویی که بخشی از آن به همین ترتیب بر صحنه رفت و در نهایت به بهره‌برداری برای تغییر سلطنت انجامید (ص ۷۲ و ۷۳).

خواننده در این کتاب با مصداق‌های دیگری از فعالیت لومپن‌ها نیز آشنا می‌شود، که مشهورترین آنها، قتل مازور پمیری آمریکایی با هدف تنگ کردن عرصه برای فعالیت نفتی آمریکایی‌ها و همچنین برقراری حکومت نظامی و جلوگیری از استیضاح رضاخان و پس از آن، ایجاد بلوای نان برای ممانعت از بازگشت احمد شاه است (ص ۷۸ تا ۸۱). البته گفتنی است که رضا شاه بعد از رسیدن به قدرت، بساط لومپن‌ها را جمع کرد تا آنها نیز بی‌نصیب از برنامه‌های او برای یک‌تازی و حذف متحدان پیشین نباشند.

نویسنده از این فصل تا پایان کتاب، ذیل فصل‌های ۴ تا ۸ با عناوین:

- تولد مجدد لومپن‌ها پس از سقوط رضا شاه
- لومپن‌ها در استخدام شاه و درباریان، وزرا و وكلا و احزاب سیاسی

- نقش لومپن‌ها در دوران ملی شدن نفت
- نقش لومپن‌ها در کودتای ۲۸ مرداد و پس از آن
- نقش لومپن‌ها در حوادث سال ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲
در فصول یاد شده حضور تبعی و پررنگ لومپن‌ها به عنوان پیاده نظام حکام و قدرتمندان مدافع و وضع موجود به تفصیل تشریح و تبیین شده است و به همین سبب است که با انگیزه دعوت خواننده برای مراجعه به متن اصلی، نوشتار حاضر را تداوم نباید بخشید.

* * *

به رغم این سخنان، دیگر چهره تاریخ آنجا رخ می‌نماید که شعبان جعفری این سرکرده لومپن‌های سیاه‌کار و نقش‌آفرین تاریخ معاصر ایران، به سال ۱۳۴۲ با یکی از همراهان دیروز خود در آغازین طلیعه‌های انقلاب اسلامی رویارو می‌شود. در این مبارزه، نوچه‌های شعبان بی‌مخ عرصه نبرد رویاروی را واگذار می‌کنند اما طیب حاج رضایی این جدانشده از صف ناهلان دیروز، جان بر سر مرام خویش می‌گذارد.